

## جانبداری فراتر روایات از حقوق زن

### گفتگو با استاد محمد حکیمی

در فرهنگ جامعه ما، هم اکنون حقوق زن، موضوع مباحثی جدی با ماهیت و هویت سیاسی - دینی واقع شده و یکی از محورهای آن اثبات و توجیه یا جرح و تعدیل و یا تأویل و یا مخالفت و یا ترک و طرد و یا توضیح و تبیین و یا تحقیر و توهین به روایاتی است که به نحوی از انحاء متضمن بیان قوانین و حقوق و جایگاه زن در اسلام می‌باشند. چرا که بعضاً از معرفی برخی ناآگاهان شنیده می‌شود که در روایات وارده از اهل بیت علیهم‌السلام حقوق زن پایمال شده و به آنان با چشم تحقیر نگریسته شده است و برای اثبات این ادعا از سه روش استفاده می‌گردد:

1- نادیده گرفتن روایاتی که با مضامینی مؤکد، طرفداری‌های شگفت‌انگیزی از زن و حقوق مربوط به او دارند.

2- شایع کردن روایات ضعیف‌السندی که از اساس باطلند و از ناحیه معصومین علیهم‌السلام وارد نشده‌اند.

3- رواج دادن استناد نابجا و یا استفاده عامیانه از روایات متشابه‌الدلاله‌ای که برداشت از آنها و جمع آنها با سایر احادیث، امری تخصصی است و نیاز به کارشناسی دارد.

با توجه به مسائل فوق، گفتگویی با نویسنده شهیر «محمد حکیمی» یکی از مؤلفین گرانقدر کتاب الحیاء، که سالها دست اندر کار تنظیم و دسته‌بندی روایات می‌باشند، ترتیب داده‌ایم و سعی کرده‌ایم قطعه‌هایی از بیانات ایشان را در ذیل سه محور یادشده گزینش نموده و در این شماره از فصلنامه مندرج نماییم.

روح کلی حاکم بر روایات و مشرب و مذاق و لسان احادیث اینگونه است که در آنها حمایت و ضمانتهای ویژه‌ای از حقوق زنان انجام پذیرفته و اگر در دین، قوانینی به عنوان مرزهای حلیت و حرمت یا صحت و بطلان بعضی از امور تشریح شده با توصیه‌های اخلاقی و جانبی در کنار آن قوانین، سعی شده راه سوء استفاده مردان، از قوانینی که به ظاهر به نفع آنان است گرفته شود.

با وجودی که تعداد چنین روایاتی اندک نیست، کمی استعمال و قلت و ندرت نقل آنها سبب شده؛ مکرمت و جلالت قدر زن در نگاه اهل بیت علیهم‌السلام از نظر بعضی از افراد مکتوم بماند. بلکه متأسفانه، گاهی امر به عکس می‌شود یعنی بعضی روایاتی که دارای سند یا دلالة ضعیف بوده یا نیاز به تفسیر دارند همراه با برداشتهای ناروا نقل می‌شوند و به شدت رواج پیدا می‌کنند و آنگاه این توهم ایجاد می‌شود که در روایات گاهی نسبت به زنان توهین و تحقیر انجام پذیرفته است، در حالی که چنین نیست.

ذیلاً جناب آقای حکیمی در هفت محور به روایاتی که با لسانی بسیار جدی به حمایت‌های قوی از زنان پرداخته‌اند اشاره فرموده و طی چند پرسش و پاسخ روایاتی را که احیاناً دیدگاهی منفی نسبت به جایگاه و حقوق زنان دارند به جهت ضعف سند رد نموده یا با تفسیری عمیق به نتایج مثبت رسانیده‌اند.

\* با نگاهی به مجموع تعالیم اسلامی چنین به نظر می‌رسد جانبداری‌هایی گسترده و اصولی و عمیق نسبت به زنان بالاتر از حق قانونی ایشان شده است، از شما تقاضا داریم چنانچه نمونه‌هایی را در این رابطه بخاطر دارید برای ما بیان فرمایید.

نمونه اول، تجویز محبت بیشتر نسبت به دختران در شرع مقدس اسلام می‌باشد.

در خانواده اصل مساوات حاکم است و باید پدر و مادر با فرزندان رفتاری یکسان داشته باشند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله : «نظر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله الی رجل له ابنان، فقبل احدهما وترک الآخر. فقال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله : فهلاً و اسیت بینهما»

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دید مردی که دو فرزند دارد یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. حضرت فرمود: چرا میان دو فرزند به مساوات رفتار نکردی؟<sup>(1)</sup>

ولی با توجه به این موضوع، می‌بینیم که در تعالیم حدیثی ما، میان دختر و پسر فرق گذاشتن را تجویز می‌کند بلکه بهتر می‌داند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله : «من دخل السوق فاشتری تحفه فحملها الی عیاله ... و لیبدء بالاناث ...» آنکه بازار برود و ارمغانی بخرد و به خانه ببرد (در تقسیم) از دختران آغاز کند.

می‌بینیم که به مهربانی و عطوفت با دختران و زنان بیشتر تأکید شده است.

از اینرو مؤلف بزرگوار وسایل‌الشیعه (از کتب حدیثی بسیار معتبر ما) عنوان این باب را چنین گذاشته است: «باب استحباب خرید تحفه و ارمغان برای همسر و فرزندان و آغاز کردن (در تقسیم) از دختران»

همچنین برخورد عاطفی با فرزندان و رحم‌دلی و محبت نسبت به آنان ستایش شده است لیکن نسبت به دختران تأکید بیشتری شده است.

امام رضا علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال بر دختران رؤوف تر و مهربانتر است تا بر پسران ...»

متن حدیث چنین است: ابن الحسن الرضا علیه السلام : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله تبارک و تعالی علی الاناث ارق مُنذُ علی الذکور ...

از اینرو شیخ حر عاملی مؤلف وسائل الشیعه عنوان این باب را اینچنین آورده است: «استحباب زیاده الرقة علی الاناث» مستحب است که نرمدلی و عواطف نسبت به دختران افزون باشد (نسبت به پسران)

نمونه دوم، تأکید بر تکریم مادران

پدر و مادر هر دو مورد تکریم و بزرگداشت هستند و سفارشهای فراوانی بر این موضوع شده است، لیکن نسبت به مادر تأکید بیشتری شده است. از اینرو می بینیم در وسائل الشیعه چنین عنوانی می آورد: «باب وجوب بر الوالدین» یعنی «وجوب نیکی نسبت به پدر و مادر» بعد بابی با این عنوان است: «استحباب الزیاده فی برّ الأم علی الاب» یعنی «نیکی بیشتر نسبت به مادر و افزون بر پدر کاری شایسته است»

و پس از آن تعالیم حدیثی ذیل این دو عنوان می آورد که این خود جانبداری بیشتر را نسبت به زنان روشن می سازد.

نمونه سوم، بیان نهی از طلاق دادن زنان

پیامبر صلی الله علیه و آله در سخنی چنین می فرماید: «ما زال جبرئیل یوصینی بالمرثه حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشه مبینه» یعنی «همواره (پیامبر) جبرئیل مرا نسبت به زنان سفارش می کرد بگونه ای که من پنداشتم طلاق زن جایز نیست. مگر از جرم و گناهی آشکار و ثابت شده.<sup>(2)</sup>

تعبیر «ما زال» - همواره و همیشه» بسیار عمیق و بالاست. یعنی فرشته وحی همواره از زنان و جانبداری از آنان سخن می گفته است و پیامبر صلی الله علیه و آله را بدین موضوع حیاتی تذکر می داده است بدان پایه که جا داشته است که پیامبر صلی الله علیه و آله خیال کند که اصولاً طلاق جایز نیست، مگر در صورتی که خلافی ثابت شده از او سرزند. این نیز یکنوع جانبداری بیش از حق قانونی اوست.

نمونه چهارم، وعده اعطاء مقامات اخروی در ازای نیک رفتاری با زنان.

معیار برتری ایمان و نزدیکی به مقام والای پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرت، نیکی به زنان و همسران است.

پیامبر صلی الله علیه و آله : «أقربکم منی مجلسا یوم القیامه ... خیرکم لاهله» «نزدیکترین شما به جایگاه من در روز رستاخیز کسانی هستند که با همسرانشان بهتر (و انسانی تر) رفتار کنند»<sup>(3)</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله : «أحسن الناس ایمانا ... الطفهم باهله و انا لطفکم بأهلی» «بهترین مردم در دین باوری ... کسانی هستند که نسبت به همسرانشان مهربانتر باشند و من از همه شما نسبت به خانواده ام مهربانترم»

پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج تعالی اخلاقی و تربیتی از همه امت نسبت به خانواده اش مهربانتر است و این مهربانی، معیار برتری ایمان اسلامی است.

نمونه پنجم، وعده پاداش آخری از جهت صبری که مردان در مقابل ایذاء زنان داشته باشند

در تعالیم اسلامی وعده پاداشهای بزرگ آخری به کسانی داده شده است که بر اذیت و بداخلاقی و بدرفتاری زنان شکیبایی ورزیده و دست به انتقام یا آزار متقابل زنند و نیز کانون خانواده را با طلاق از هم نپاشند. زیرا:

پیامبر صلی الله علیه و آله - به روایت امام صادق علیه السلام : «و من صبر علی خلق امرأه سیئة الخلق و احتسب فی ذلک الاجر اعطاه الله ثواب الشاکرین»

«آنکه بر خصلتهای زنی که بداخلاق است شکیبایی ورزد - به نیت پاداش الهی - خداوند ثواب شاکران را به او عطا فرماید»<sup>(4)</sup>

همچنین علی علیه السلام در یکی از خطبه‌ها که از برخی ناهنجاریهای رفتاری و گفتاری و پنداری بسیاری از زنان سخن می‌گوید، می‌فرماید: «... فداروهنَّ علی کل حال و احسنوا لهن المقال لعلهن یحسنن الفعال» با همه کژی و ناهنجاری که در رفتار بسیاری از زنان هست (بعنوان مسائل تربیتی و داده‌های اخلاقی محیطی) با آنان سازگاری کنید و با آنان گفتاری نیک داشته باشید، شاید که آنان (در پرتو این برخورد انسانی و اخلاقی) روش خویش را انسانی و نیک سازند.<sup>(5)</sup>

می‌نگرید که حتی در برابر کثرت‌فتریها و زشت سیرتیه‌های زنان، دستور مدارا، نرمش، رفتار انسانی و گفتار نیک داده می‌شود نه انتقامجویی و پرخاشگری و اعمال خشونت علیه آنان، و رفتار نیک و گفتار نیکو را در برخورد با آنان که تربیت درستی ندارند، عامل تربیتی و بهبود اخلاقی و رفتاری آنان می‌شمارد و این نکته‌ای بسیار ظریف در روابط خانوادگی است که با برخورد خوب و گفتار نیکو، مردها زانیشان را تربیت کنند و به اصلاح اخلاقی آنان بپردازند نه پرخاشگری و ...

## نمونه ششم، رعایت جانب زن در مسائل زناشویی

در مسائل میان زن و مرد نوعاً بر تمکین زن تکیه می‌شود البته اصل تمکین بیشتر در روابط ویژه همسری و زناشویی است. در این روابط نیز اصل رعایت جانب زن و ضرر نزدن به او مورد تأکید قرار گرفته است.

امام صادق علیه‌السلام: «... سألت ابا عبدالله عن قول الله عزوجل «لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده» قال: كانت المراضع تدفع احداهن الرجل اذا اراد ... فنهى الله عن ذلك ان يضار الرجل المرأة والمرأة الرجل» راوی گوید از این آیه در قرآن از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: «نباید هیچ مادری بخاطر فرزندش زینای ببیند و نه هیچ پدری بخاطر فرزندش ...» حضرت فرمود: برخی زنان شیرده مانع تقاضای شوهرانشان می‌شدند و ... خداوند از این نهی کرد که مردی به همسرش زیان برساند یا زنی به شوهرش<sup>(6)</sup>

حتی اگر این حدیث خاص در مورد ممنوعیت ضرررسانی به زن نبود، قانون عام و کلی «لاضرر» همه موارد ضرر و زیان را شامل می‌شد. چون بنابر کلیت معنای «لاضرر» که اصلی ثابت است، هرگونه ضرر و زینای در روابط اجتماعی و خانوادگی ممنوع است.

## نمونه هفتم: مذمت خشونت علیه زنان

در تعالیم اسلامی، همه اشکال خشونت نسبت به همه انسانها حتی حیوانات و موجودات زنده ممنوع است. مراتب کمتر از خشونت یعنی آزاررسانی نیز سرشتی شیطانی و غیراسلامی است. در تعالیم حدیثی ما، علامت و نشانه مسلمان این است که همگان از دست و زبان او در آسایش باشند و ... که بررسی اجمالی این مقوله فرصتی بسنده می‌خواهد.

چنانکه یاد کردیم عذوبت و مهربانی نسبت به زنان و محبت به آنان اصلی تردیدناپذیر است و خشونت علیه زن، غیر اسلامی است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: به روایت امام باقر علیه‌السلام: «يضرب احدكم المرأة ثم يظللُ معانقها» آیا کسی از شما همسرش را می‌زند سپس او را در آغوش می‌گیرد؟<sup>(7)</sup> یعنی این شیوه‌ای نابخردانه است که آدمی شریک زندگی خویش را بیازارد.

پس معلوم می‌شود که در قرآن کریم اگر سخنی از ضرب آمده است در موردی است که خلافی صورت گرفته است نه بعنوان بیان برنامه و روش برخورد. بگذریم که «ضرب» در احادیث ما به «ضرب با مسواک» تفسیر شده است.

امام صادق علیه‌السلام: «انه الضرب بالسواك» منظور از ضرب در قرآن زدن با مسواک است.<sup>(8)</sup>

که این برآستی نوعی تنبیه اخلاقی و اعلام مخالفت است. همچنین باید توجه داشت که در مورد این گروه از زنانی که روابط زن و شوهری را نادیده می‌گیرند پیش از این نوع تعزیر و تنبیه، دو مرحله تربیتی دیگری در قرآن مطرح گردیده است:

1- «فَعِظُوهُنَّ» به آنها پند دهید.<sup>(9)</sup>

2- پس از آن «واهجروهنَّ فی المضاجع»: از خوابگاهشان دوری کنید.

حتی دوری از خوابگاه نیز (در تفسیر امام باقر علیه‌السلام «یحول ظهره الیها) پشت به زن خوابیدن<sup>(10)</sup> تبیین شده است نه دوری به معنای به اطاقی دیگر رفتن. پس دوری نیز به حداقل دوری طبق فرموده امام باقر علیه‌السلام تفسیر شده است.

بنابراین طبق منطق عقل و شرع اگر زنان از ابتدایی ترین و ضروری ترین حق میان خود و شوهرانشان سر باز زدند (نشوز) با دو مرحله اخلاقی سپس با یک مرحله تنبیهی با همان مقدار و شیوه‌ای که در تفسیر امام معصوم علیه‌السلام آمد با او برخورد می‌شود نه بیشتر.

من مناسب می‌دانم در پایان این مقال سخنی والا و ارزشمند را از شیخ صدوق بازگو کنم. بزرگی و عمق دریافت و درک اسلامی شیخ صدوق (و نزدیکی ایشان به زمان امامان علیهم‌السلام) بر هیچ شیعه‌ای پوشیده نیست. شیخ صدوق در تبیین و تشریح معیارها و ضوابط در مذهب شیعه و امامیه مسائلی را می‌شمارد از آن جمله می‌گوید:

«و من شرائط الامامیه ... الیقین ... و اداء الامانه الی البر و الفاجر ... والاحسان الی النساء ...» از ویژگیها و شرایط شیعه بودن، دین‌باوری، امانتداری نسبت به مدیران و نیکان ... و احسان و نیکی نسبت به زنان است.<sup>(11)</sup>

بنابراین آنکه مدعی تشیع و گرایش به مبانی فرهنگی و عقیدتی شیعه است باید اینچنین باشد.

\* از اینکه با وجود کثرت مشاغل لطف فرموده و به ما وقت خود را دادید سپاسگزاریم و از مطالبی مشحون به روایات و عجین با احادیث که به ما ارائه فرمودید، کمال تشکر را داریم.

در هر حال ما این مطالب را با شتابزدگی بیان نمودیم و امیدواریم که قابل استفاده قرار گیرد.

\* دسته بندی روایات حول این محورهای هفت‌گانه و انسجام خاصی که توسط جناب‌عالی به مطلب بخشیده شد فواید فراوانی را در برداشت. سؤال دیگر ما از شما این است که:

قرآن و روایات معیار برتری انسانها بر یکدیگر را «تقوی» معرفی می‌کنند و اختلاف نژادها و جنسیتها و ... را فقط از لوازم کارگردانی مسائل اجتماعی و طبیعی و ارتباطی و عامل شناسایی در نظامات می‌دانند. حال اگر به حدیثی یا کلامی دست یافتیم که این حقیقت مسلم را درباره زنان نادیده گرفته باشد و یا با آن در تضاد باشد مثلاً زنان را ناقص‌العقل یا ناقص‌الدین و ... معرفی نموده باشد، چه باید کرد؟

پاسخ این است که اگر روایاتی داشتیم که تساوی منزلت زن و مرد و جایگاه انسانی زن را منکر شده و یا به گونه‌ای آن را خدشه‌دار کند نصوص قرآنی آنها را رد می‌کند و از درجه اعتبار ساقط می‌نماید و در این موضوع تردیدی نیست، چون در احادیث صحیح ما رسیده است:

«ما خالف قول ربنا لم نقله»

«آنچه مخالف کتاب خدا باشد سخن ما نیست.»

\* آیا کم و کیف عرضه روایات به آیات و تشخیص صحت و سقم مدلول آنها از این طریق برای همگان میسر است یا امری تخصصی است که نیاز به رجوع به کارشناسان مربوطه دارد؟

این، یک کار کارشناسی است و هرکس نمی‌تواند از هر نظر یا برداشتی که خوشش نیامد آن را با این معیار (عرضه روایات به آیات) رد کند. بلکه باید ضوابط دقیق سنجش دو حدیث یا آیه و حدیثی که به ظاهر ناسازگاری مفهومی با آن آیه دارد، رعایت گردد. چه بسا پس از بررسیهای کارشناسی (فقیهانه) روشن شود که در حقیقت ناسازگاری و تضادی نیست. بلکه دو حدیث با هم یا یک آیه و حدیث ممکن است نسبت عام و خاص یا مطلق و مقید و ... داشته باشند، (یعنی تعارضشان بدوی باشد) یا اینکه از اساس درباره دو موضوع یا دو حالت از یک موضوع وارد شده باشند که این تعدد موضوع نیز ناسازگاری احکام را از میان برمی‌دارد. خلاصه اگر برآستی حدیثی همراه معنایی روشن با آیه یا آیاتی از قرآن ناسازگاری داشت و با هیچ‌یک از شیوه‌ها، تلائم و سازگاری نداشت، آنگاه مطرود و مردود محسوب می‌شود. بنابر این تعارض و ناسازگاری بدوی (با نگرش سطحی و نخستین) نمی‌تواند تعارض بحساب آید. بعنوان مثال: نگریستیم که در آیات قرآنی هیچ جا به صراحت یا کنایه از نقصان عقل زن، حرفی بمیان نیامده است بلکه بسیاری از مسائل را که درباره انسانها برشمرده و از صعود و سقوط نوع انسانی سخن گفته است، زن و مرد را هم‌تا و هم‌سطح شمرده است. مقام قنوت و مقام خشوع و ... برای زن و مرد همسان ذکر شده است. حال اگر در برخی روایات از نقصان عقل سخن رفته است بحث از نوع و ماهیت زن نیست و منظور بیان تمایز ماهوی میان زن و مرد نمی‌باشد. بلکه منظور اغلب و اعم افراد می‌باشد و شاید در آن روزگار اینگونه تعبیرها بعنوان نظری درباره بسیاری از افراد یک نوع حتی درباره

مردان نیز بوده است. مثلاً روایاتی که عجب و خودبینی و خودمحوری و استبداد به رأی را ضدّ عقل و خردمندی شمرده‌اند و انسان خودبین و خودمحور و «معجب» را بی‌خرد خوانده‌اند. اینجا تنها مردان یا تنها زنان مورد نظر نیست بلکه منظور کسی است (چه زن چه مرد) که خودبین و خودمحور است و در داوری نسبت به خود گرفتار خصلت ضدخردمندی یعنی عجب است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«عجاب المرء بنفسه دلیل علی ضعف عقله»

«خود بینی شخص نشانه ضعف (کمی و نقصان) خرد اوست.»<sup>(12)</sup>

و همینطور در بسیاری از گرایشهای دیگر یا اسیرشدن نسبت به بسیاری از امیال و جاذبه‌ها، مثلاً محبت زیاد، موجب نابودی عقل است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«لا عقل مع شهوة»

«اسارت نسبت به امیال نفسانی خرد آدمی را از کار می‌اندازد.»<sup>(13)</sup>

بنابراین نقص عقلانی زن اگر در احادیثی رسیده است ناظر به مادیت و جوهر و کیفیت آفرینش او نیست. بلکه به افرادی (اگر چه زیاد باشند) از این نوع نظر دارد. از این رو در حدیث دیگری از امام علی علیه‌السلام می‌بینیم که نقصان عقل زن با استثناء بیان شده است:

«ایاک و مشاوره النساء الا من جربت بکمال عقل»

«از مشورت با زنان بپرهیزید مگر زنانی که کمال عقل آنان آزمایش شده باشد.»<sup>(14)</sup>

بنابراین اینگونه احادیث (مثل احادیث نقص عقل) حالت عام و خاص و مطلق و مقید را پیدا می‌کند و با قرآن نیز ناسازگاری ندارد. چون قرآن نیز از مقامات و انسانیت‌های والای زنان که سخن می‌گویند بدون تردید منظور قرآن عروج‌گرایی نوعی و انسانی زن است نه مطلق زنان و همه افراد این نوع در همه ادوار تاریخ. افراد انسانی چه زن و چه مرد، همانطور که امکان تکامل و رشد و



فره‌یختگی دارند، امکان سقوط و نابودی و دژخیمی و دیوسیرتی نیز دارند.

از اینرو می‌بینیم در احادیث بسیار مهمی که درباره رایزنی و مشورت رسیده است شرایطی را ذکر می‌کند از جمله اینکه: با کسانی مشورت کنید که صاحب عقل و دین و تجربه و تقوی باشند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«شاور فی امورک مما یقتضی الدین، من فیه خمس خصال: عقل، حلم، تجربه، نصح، تقوی»<sup>(15)</sup>

پس در رایزنی، معیاری کلی داریم که پختگی، خردمندی، دین‌باوری شرط است. حال این خصلتها در هر کس بود شایسته است طرف مشورت قرار گیرد و چه بسیار از مردانی که یک یا چند خصلت از خصلتهای نامبرده را ندارند و نمی‌توانند طرف مشورت باشند. در مورد زنان شاید موضوع دیگری نیز باشد که در برخی جهات تأثیرگذار است و آن بعد عاطفی زنان است که طبق تحقیق و تصدیق در زن قویتر و شکوفاتر و حساستر است و این نقصی در این بدنه از جامعه بشری محسوب نمی‌شود بلکه ضرورت نیز دارد بخاطر اینکه نقشی که زن در مسئله فرزندداری و تربیت و خانواده در بعد عاطفی و تکوین شخصیت فرزندان و سالمسازی محیط خانواده و گرمی آن دارد، بسیار بیشتر از نقش عقل‌گرایی خشک و حسابگرانه می‌باشد. از اینرو زنان بعنوان هسته اصلی خانواده و مربی اساسی فرزندان ما باید در این بعد از مردان تکامل یافته‌تر باشند و همین موجب می‌گردد که نتوانند (در بسیاری از موارد و محیطها) به مسائل پیچیده فکری و عقلایی دست یابند یا وقت خود را صرف مقولات فکری پیچیده کنند یا همواره حسابگرانه و عقلانی با مسائل برخورد کنند. بلکه تن به هدایت عاطفه می‌دهند و چنین می‌گویند: «دل را دلایلی است که عقل را از آنها خبر نیست». از اینرو چنانکه در گفتار آغازین یاد شد در خانواده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام و یا شاگردان و تربیت شدگان ایشان، زنان بسیار والا، دانشمند و بزرگی تربیت شدند.

شوهر بریره که از زنان مسلمان صدر اسلام بوده و در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌زیسته است نزد پیامبر از بریره شکایت کرد که خانه را ترک کرده و رفته است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این زن را خواستند و به او فرمودند: «ارجعی الی زوجک» به خانه (و زندگی با) شوهرت بازگرد. بریره گفت: «أتأمرنی یا رسول‌الله» آیا امر می‌فرمایید؟ (دستور واجب و قانون شرع را بیان می‌کنید) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «لا بل انا شافع» نه (امر و دستور واجبی نیست) بلکه من واسطه و شفیع هستم. از این مکالمه و سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و این بانو بخوبی روشن می‌شود که این زن به درجات والایی از درک مفاهیم دینی و معیارهای شناخت اسلام رسیده بوده است. که سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را با معیارهای دقیق تحلیل می‌کند و از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پرسد که شما بعنوان قانونگذار و شارع و شارح اسلام دستور می‌دهید یا بعنوان انسانی که برای اصلاح روابط

زن و شوهر اقدام می‌کند راهنمایی می‌کنید؟ و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برنظر و برداشت درست او صحه می‌گذارد و می‌فرماید:  
من اصلاح‌گرم.

از این دست زنان بسیار داشته‌ایم و تا زمان حاضر نیز هستند. بیاد دارم که برخی از عالمان بزرگ، مقداری از درسهای حوزه‌ای را نزد مادرانشان خوانده‌اند و یا زنانی بوده‌اند که تألیفاتی گرانبها داشته‌اند و یا شعرهای بلندی سروده‌اند و یا ... آنچه از جامعه زنان مسلمان و متعهد و بینش‌گرای ایران انتظار می‌رود این است که تاریخ اینگونه زنان را بررسی کرده به نگارش درآورند. از دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا دوران امامان علیهم‌السلام و تا زمان حاضر.

خوشحالیم از اینکه زنان جامعه ما با بیداری و هوشیاری در جهت احیاء حقوق حقه خودشان اقدام می‌کنند و من دوست داشتم در فرصتی وافی در این باب قلم می‌زدم تا منافی بیشتر عاید بانوان جامعه ما گردد.

به هر حال امیدوارم این گفتار قلیل به برکت حق فواید کثیر را بدنبال داشته باشد.

یادداشتها:

1- وسائل 135/3 چاپهای قدیم

2- عدّه‌الداعی / 62، بحارالنوار 253/103

3- وسائل الشیعه 507/8

4- وسائل 124/7

5- وسائل 130/7

6- وسائل 136/7

7- وسائل، ج 14، ص 119



8- مجمع البيان 44/3

9- نساء 34/4

10- مجمع البيان 44/3

11- بحار الانوار 405/10

12- الحياء 180/1

13- الحياء 178/1

14- الحياء 192/1



پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرسټي  
پرتال جامع علوم انساني